

دلیل سکوت شاه مقابل اشرف

۹ تیر ۱۳۹۳ ساعت ۱۳:۳۹

در روزهای پایانی عمر رژیم پهلوی، شاه تلاش کرد که با مشورت با چهره‌هایی که تا آن زمان کمتر به آنها روی خوش نشان داده بود چاره‌ای برای مهار بحران بیابد. یکی از این چهره‌ها احسان نراقی بود. وی سال‌ها به عنوان مشاور فرح دیبا به فعالیت پرداخته و به سبب انتقادات تند از شخص نخست مملکت به اتهام ضدیت با اصل سلطنت روانه زندان شده بود. با این حال آن زمان که میل همایونی بر مشورت با منتقدان قرار گرفت آنقدر دیر شده بود که عملاً چاره‌ای برای بقای شاه نمانده بود.

احسان نراقی در گفت‌وگو‌یی گفته است: محمدرضا پهلوی گوش شنوایی برای شنیدن انتقاد مخالفان و حتی توصیه دلسوزان خود نداشت و همیشه با نوعی تکبر و بی‌اعتمادی به آنها نگاه می‌کرد

نراقی در پاسخ به این سوال که اطرافیان چقدر می‌توانستند در کم کردن تاثیرات ندانم‌کاری شاه نقش آفرینی کنند، گفت: هیچ، وقتی من می‌گویم که محمدرضا بی‌منطق و مغرور بود باید بدانید که چنین آدمی به حرف دیگران گوش نمی‌داد و خود را دانای کل می‌دانست. در حالی که رفتار و تصمیماتش نشان می‌داد که نه تنها از سیاست هیچ نمی‌دانست بلکه غرق در غرور بود و به جز خود هیچ کس را قبول نداشت.

وی افزود: چهره‌هایی که می‌توانستند شاه را ملاقات کنند دو دسته بودند؛ یکی افرادی چون مصدق یا افراد دیگری که در مقام نخست‌وزیری یا منصب‌های دولتی با شاه دیدارهایی داشتند. دسته دیگر آدم‌هایی بودند که فقط به منافع خود فکر می‌کردند و به همین دلیل بر خلاف گفته‌های شاه چیزی را نمی‌گفتند و با علم بر اشتباهات محمدرضا همه نتیجه‌گیری‌های او را تایید می‌کردند تا از طریق مجیزگویی به شاه مملکت نزدیک‌تر شده و در نهایت بتوانند از این رابطه به نفع خود سوء استفاده کنند.

وقتی که محمدرضا شاه در جوانی به پادشاهی رسید از جرات کافی برای خیلی از کارها محروم بود و به همین دلیل اشرف که شهامت و جرات بیشتری داشت

وی در پاسخ به این سوال که عده‌ای ادعان دارند که شاه قدرت‌ش را از حمایت خارجی‌ها داشت، گفت: همه می‌دانند که شاه چند بار به بن بست خورد و با حمایت و البته با کودتای خارجی‌ها توانست به کشور برگشته و سلطنت کند. به همین دلیل محمدرضا همیشه به آنها توجه می‌کرد و حتی در خیلی از موارد خارجی‌ها را به داخلی‌ها ترجیح می‌داد تا به خیال خود به حفظ

نراقی در پاسخ به سوالی در خصوص سکوت شاه در برابر اقدامات خواهرش اشرف و تاثیر آن بر عاقبت نظام پهلوی گفت: وقتی که محمدرضا شاه در جوانی به پادشاهی رسید از جرات کافی برای خیلی از کارها محروم بود و به همین دلیل اشرف که شهادت و جرات بیشتری داشت در اوایل سلطنت بارها در دیدار با علما، مسوولان و شخصیت‌های مختلف اشتباهات شاه را لاپوشانی کرده بود، به همین خاطر شاه تا روزهای آخر نگاه ویژه‌ای به اشرف داشت و حتی به نوعی خود را مدیون او می‌دانست. البته از کارهایش خبر داشت و می‌دانست که اعمال او آسیب رسان است اما به دلایلی که گفتم نمی‌توانست به او نصیحت کند.

وی در خصوص نقش فرح در آن روزها خاطرنشان کرد: نمی‌توان فرح را با اشرف مقایسه کرد. او زنی بود که همیشه تعادل را حفظ می‌کرد و تا جایی که می‌توانست از اشتباهات شاه جلوگیری می‌کرد.

نراقی در پاسخ به این سوال که شاه چگونه حاضر به رفتن از کشور شد، گفت: اصولاً آدمی نبود که توان مقابله با مشکلات را داشته باشد و با کوچکترین بحرانی خود را در بن بست می‌دید. شاه شجاعت رویارویی با مشکلات را نداشت و به همین دلیل مثل چند بار گذشته رفت تا شاید با کمک خارجی‌ها برگردد که این بار برگشتی در کار نبود. شاه توسط خود او سرنگون شد. واقعا نباید تردیدی داشت که نادانی‌های شاه دلیل اصلی سقوط او بود.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/27416/لاشرف-مقابله-شاه-سکوت-دلیل/27416>